

متن پرسش

سلام بر استاد عزیز: من حدود ۱۰ ماه است که دیگر حالات معنوی و روحی قبلی را ندارم. تمایلم به مطالعه و علم کاهش یافته تا حدی که احساس می‌کنم که از همه چیز اشباع شده‌ام. دیگر حس و حالی برای امور معنوی و عبادی ندارم تا حدی که حتی در حرم معصومین نیز هیچ حسی ندارم و هرچه تلاش می‌کنم توجه خودم را معطوف به حضرت کنم موفق نمی‌شوم. دیگر آن شوری که حدود یک سال قبل نسبت به انقلاب اسلامی و شهدا داشتم وجود ندارد و خیلی کمتر شده. و در روح خودم نوعی گرفتگی شدید حس می‌کنم. انگار انگیزه‌ای برای هیچ کاری ندارم و آنچه که قبلاً در من انگیزه ایجاد می‌کرد گویا دیگر مؤثر نیست. استاد واقعا از این وضعیت خسته شده‌ام. خیلی نگران هستم. نمی‌دانم با این وضع چه کنم. مدتی قبل که از شما پرسیدم فرمودید این حالت قبض است و برطرف می‌شود. اما نمی‌دانم چرا هنوز این حالت ادامه دارد. نمی‌دانم چه کنم. حتی معارف دینی هم گویا دیگر در وجودم اثری ندارد. می‌ترسم که این حالت دست مایه‌ای برای شیطان باشد و نتوانم در برابر تمایل به گناه ایستادگی کنم. می‌ترسم که نکند این قساوت قلب باشد. می‌ترسم که دیگر آن شور انقلابی بر نگردد و از این فضا دور شوم. اگر امکان دارد راهی به من نشان دهید که بتوانم از این حالت روحی نجات پیدا کنم. محتاج دعای خیر شما هستم. ممنون از توجه شما.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بالاخره قلب‌ها را اقبالی هست و ادباری. تدبّر در قرآن به کمک تفسیر شریف المیزان **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** کمک می‌کند. موفق باشید